



حسین تربتی

فکر می‌کند زوال نعمت از [دیگران و] کسی که به او حسادت ورزیده، نعمتی برای اوست [در حالی که چنین نیست].»

و در چهل حدیث امام خمینی علیه السلام می‌خوانسیم: «حسد، حالتی است نفسانی که صاحب آن آرزو می‌کند سلب کمال و نعمت متوهمی را از غیر؛ چه آن نعمت را خود دارا باشد یا نه و

یکی از گناهان خطر ساز و کلیدی که گناهان متعددی را در پی دارد، «حسد» است. راغب اصفهانی در تعریف حسد، چنین می‌گوید: «الْحَسَدُ تَمَنَّى زَوَالِ نِعْمَةٍ مِنْ مُسْتَحَقِّ لَهَا وَرِيْمًا كَانَ مَعَ ذَلِكَ سَفَى فِي إِزَالَتِهَا»<sup>۱</sup> حسد، آرزوی زوال نعمت از مستحق آن است و گاه همراه این آرزو تلاشی [هم] در زوال نعمت انجام می‌گیرد.»

در روایات نیز به این معنی اشاره شده است. از جمله امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْحَاسِدُ يَرَى أَنَّ زَوَالَ النُّعْمَةِ عَمَّنْ يَحْسُدُهُ نِعْمَةٌ عَلَيْهِ»<sup>۲</sup> حسود [زوال نعمت را از دیگران آرزو می‌کند و]

۱. المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، تهران، نشر الکتاب، دوم، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۱۸.  
 ۲. غرر الحکم، ح ۱۸۳۲، به نقل از: منتخب میزان الحکمة، محمدی ری شهری، دار الحدیث، دوم، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۴۲، ح ۱۶۰۶.

﴿وَإِن لَّ عَلَيْهِمْ نَبَأُ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾<sup>۱</sup>؛ «و داستان دو فرزند آدم را به حق بر آنها بخوان! هنگامی که هر یک کاری (سذری) برای تقرب [به پروردگار] انجام دادند؛ اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. [قابیل که عملش مردود شده بود، به خاطر حسودی به برادر دیگر] گفت: به خدا سوگند! تو را خواهم کشت. [هابیل] گفت: [من که گناهی ندارم؛ زیرا] خدا تنها از پرهیزکاران قبول می‌کند.»

و در بسخشی پایانی داستان می‌خوانیم: ﴿فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾<sup>۲</sup>؛ «نفس [سرکش]، او را ترغیب به قتل برادر نمود؛ پس او را کشت و از زیانکاران شد.»

۱. شرح چهل حدیث، امام خمینی علیه السلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۶، ص ۱۰۴.

۲. ر. ک: گناهان کبیره، دستغیب شیرازی، ج ۲، ص ۲۸.

۳. مانده / ۲۷.

۴. همان / ۳۰.

چه بخواهد به خودش برسد یا نه. و آن غیر از «غبطه» است؛ چه که صاحب آن (غبطه) می‌خواهد از برای خود نعمتی را که در غیر توهم کرده است، بدون آنکه میل زوال آن را از او داشته باشد.<sup>۱</sup>

آنچه از گناهان کبیره شمرده می‌شود، حسدی است که همراه با تخریب و ظهور باشد، مثل اینکه قبولی فرزند فردی را در دانشگاه نمی‌تواند ببیند، بگوید: با داشتن پارتی قبول شده است. و اما حالت نفسانی حسادت با آنکه زیانها و ضررهای فراوانی را برای روح و جسم انسان دارد؛ ولی تا زمانی که ظهور و بروز نیافته، از گناهان کبیره محسوب نمی‌شود.<sup>۲</sup>

### خطر حسد در قرآن

در قرآن بیش از هفت مورد سخن از حسادت و خطر آن به میان آمده است؛ در سوره مائده آیه ۲۷ الی ۳۰، جریان فرزندان آدم علیهم السلام مطرح شده که قابیل بر اثر حسادت نسبت به برادرش هابیل، دست به قتل او می‌زند. در بخشی از این آیات می‌خوانیم:

## آنچه از گناهان کبیره شمرده می‌شود، حسدی است که همراه با تخریب و ظهور باشد

بر اساس مضمون این آیه، حسادت آن قدر خطرناک است که انسان حسود حتی به برادرش هم رحم نمی‌کند تا چه رسد به همسایه و هم لباس و هم نوع و....

همچنین قرآن کریم در سوره یوسف<sup>۱</sup> داستان برادران یوسف علیه السلام را مطرح نموده که بر اثر حسادت، برادر خود را کتک زده، داخل چاه انداختند. این حسادت باعث شد که چندین گناه مرتکب شوند؛ گناهانی مانند: کتک زدن، مجروح ساختن (بر اثر انداختن در چاه)، دروغ گفتن، اهانت کردن به پدر و....

از این آیه هم استفاده می‌شود که حسادت باعث می‌شود انسان به برادر و حتی پدرش نیز رحم نکند و حاضر شود برای خاموش کردن آتش

حسادت، گناهان متعددی را مرتکب شود.

خداوند متعال در سوره نساء، جریان یهودیان حسود را که از «شامات» به انتظار ظهور حضرت ختمی مرتب صلی الله علیه و آله به مدینه کوچ کردند، مطرح می‌کند که بعد از ظهور حضرت، بر اثر «به خطر افتادن منافع مادی» به شدت با او مقابله نمودند. قرآن در این باره می‌فرماید:

«أَمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا»<sup>۲</sup> «یا اینکه نسبت به مردم (پیامبر و خاندانش) بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می‌ورزند؟ ما به آل ابراهیم [که یهود نیز از خاندان او هستند،] کتاب و حکمت دادیم و به آنها (پیامبران بنی اسرائیل) حکومت عظیمی عنایت نمودیم.»

این آیه نیز اعلام خطر می‌کند که انسان بر اثر حسد به آنجا می‌رسد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را با همه نشانه‌های

۱. یوسف / ۴-۵

۲. نساء / ۵۴

حقانیتی که به همراه دارد، تکذیب می‌کند و برای همیشه خود را از سعادت ابدی محروم می‌سازد.

و در آیه دیگر، گوشزد می‌کند که اهل کتاب بر اثر حسادت، نه تنها خود کافر و گمراه شدند، بلکه آرزو دارند که مسلمانان نیز از حق و اسلام دست برداشته، راه گمراهی را در پیش گیرند: «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُّوْكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ»؛<sup>۱</sup> «بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد [که در وجود آنها ریشه دوانده] آرزو می‌کردند که شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند؛ با اینکه حق برای آنها کاملاً روشن شده است.» و متأسفانه همان دشمنیها و حسادتها در این دوران از طرف دشمنان بیشتر شده است.

و در آیه پنجم، در ستایش انصار چنین می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ»؛<sup>۲</sup> «کسانی که بعد از آنها (مهاجران) آمدند، می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در

ایمان آوردن بر ما سبقت گرفتند، بیامرز و در دلهایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده! پروردگارا! تو مهربان و رحیمی.»

آیه فوق؛ تنها خواسته پیشگامان اسلام را دوری و رها شدن از حسد کینه می‌داند؛ چرا که جامعه اسلامی آن گاه پا می‌گیرد که از حسد و کینه دور باشد.

و در آیه ششم، برترین صفات بهشتیان را این می‌داند که از حسد و کینه منزله‌اند: «وَوَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ»؛<sup>۳</sup> «هر گونه غل (حسد و دشمنی) را از سینه‌های آنها بر گرفتیم [و آنها را پاکیزه ساختیم؛ لذا] همه برادروار بر تختهایی [در بهشت] رو به روی یکدیگر قرار دارند.»

«غل» را بسیاری از مفسران همچون فخر رازی در «تفسیر الکبیر» و «مراغی» در تفسیرش و قرطبی در «الجامع لاحکام القرآن» به حسد تفسیر

۱. بقره/۱۰۹.

۲. حشر/۱۰.

۳. حجر/۴۷.

کرده‌اند.<sup>۱</sup>

امتش چنین احساس خطر می‌کرد:  
«أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي أَنْ يَكْثُرَ لَهُمُ  
الْمَالُ فَيَتَحَاسَدُونَ وَيَقْتُلُونَ»<sup>۲</sup> بدترین  
چیزی که بر امتم ترس دارم این است  
که مال آنها فراوان شود؛ پس بر  
همدیگر حسودی کنند و به جنگ و  
قتال پردازند.»

## ۲. آفت دین

در صحیفه معاویه بن وهب آمده  
است که امام صادق علیه السلام فرمود: «أَفْتَةُ  
الدِّينِ الْحَسَدُ وَالْعُجْبُ وَالْفَخْرُ»<sup>۳</sup> آفت دین  
[و ایمان سه چیز: حسد و  
خودبزرگ‌بینی و فخر فروشی است.]

و سرانجام در سوره فلق، از  
سوره‌های پایانی قرآن، به پیامبر  
اعظم صلی الله علیه و آله با آن عظمتش دستور می‌دهد  
که از خطر حسد حسودان به خدا پناه  
برد: «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ»<sup>۴</sup>؛ «و  
[بگو] از شر هر حسودی هنگامی که  
حسد می‌ورزد [به خدا پناه می‌برم].»

## خطر حسد در بیان روایات

در روایات معصومان علیهم السلام  
تعبیرات هشدار دهنده‌ای درباره  
خطر ناک بودن حسد وارد شده که به  
نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

### ۱. ریشه تمامی رذایل

علی علیه السلام می‌فرماید: «رَأْسُ الرُّذَائِلِ  
الْحَسَدُ»<sup>۳</sup> ریشه تمامی رذیلتها [و صفات  
ناپسند] حسادت است.»

۱. ر.ک: پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی،  
مدرسه الامام علی ابن ابی طالب علیه السلام، اول،  
۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۳.  
۲. فلق / ۵.

۳. پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۳۳؛ شرح فارسی غرر  
الحکم، ج ۱، ص ۹۱، ح ۶۸۰۳.

۴. المحجة البيضاء، فیض کاشانی، بیروت،  
مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ج ۲، ص ۳۲۶؛  
مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۲۷.

۵. پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۳۳؛ المحجة البيضاء،  
فیض کاشانی، بیروت، مؤسسة الاعلمی  
للمطبوعات، دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، باب حسد، ص  
۳۲۷؛ اصول کافی محمد بن یعقوب کلینی،  
ترجمه مصطفوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه،  
ج ۳، باب حسد، ص ۴۱۸، ح ۵.

برخی گناهان حالت تولیدی و  
زایش گناه دارد که یکی از آنها حسادت  
است و توسط آن، تهمت، دروغ‌گویی،  
نفاق، غیبت، اهانت، کتک زدن، قتل و  
نابودی دیگران و... به وجود می‌آید از  
اینرو می‌توان آن را «ام الرذائل» و ریشه  
صفات رذیله خواند. به همین جهت  
است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حسد بر

خدمت پیامبر اکرم ﷺ آمد و عرض کرد: «تو به ما دستور دادی شهادت دهیم به یگانگی خدا و اینکه تو فرستاده او هستی؛ ما هم شهادت دادیم. سپس دستور به جهاد و حج و روزه و نماز و زکات دادی؛ ما همه اینها را نیز پذیرفتیم؛ اما به اینها راضی نشدی تا اینکه این جوان (علی علیه السلام) را به جانشینی خود منصوب کردی، آیا این سخن از ناحیه خودت است یا از سوی خدا؟»

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «قسم به خدایی که معبودی جز او نیست! این از ناحیه خدا است.» نعمان روی برگرداند و گفت: خداوندا! اگر این سخن حق است، سنگی از آسمان بر ما بباران! اینجا بود که سنگی فرود آمد و او را کشت.<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۱۷.

۲. برخی «جابر بن نذر» یا «حارث بن نعمان» را گفته‌اند.

۳. مرحوم علامه امینی این جریان را از سی نفر از علمای عامه نقل کرده است. رک: الغدیر، ج ۱، صص ۲۳۹ - ۲۴۶؛ تفسیر نمونه، ج ۲۵، صص ۷ - ۸.

وقتی ریشه رذایل در جان و روح انسان جا گرفت و دین و ایمان را آفت زده کرد، انسان دنیا و آخرتش را از دست می‌دهد.

### ۳. ریشه کفر

اگر انسان حسادت را درمان نکند، ممکن است به کفر دچار شود؛ چنان که در ضمن آیات قرآن اشاره شد که یهودیان با اینکه منتظر ظهور پیامبر خاتم بودند، حسادتشان باعث شد به کفر خود باقی بمانند و آنها هم که بعد از پیامبر اکرم ﷺ راه ارتداد را در پیش گرفتند و خلافت علی علیه السلام را غصب کردند و جنگ و مخالفت با او را پیشه خود ساختند، عامل مهم رفتار آنان جز حسادت و کینه‌جویی نبود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِيَّاكُمْ أَنْ يَخْسُدَ بَغْضُكُمْ بَغْضًا فَإِنَّ الْكُفْرَ أَضْلُهُ الْحَسَدُ؛<sup>۱</sup> بر شما باد که از حسادت ورزی برخی به برخی دیگر اجتناب کنید؛ زیرا ریشه کفر، حسادت ورزی است.»

هنگامی که رسول خدا ﷺ، علی علیه السلام را در غدیر خم به خلافت انتخاب نمود، نعمان بن حارث فهری<sup>۲</sup>

تکبر، تجار به خاطر خیانت [به مردم]، روستاییان به خاطر جهل و نادانی و دانشمندان به خاطر حسادت.»

با اینکه کار علما و دانشمندان بیشتر مربوط به امور معنوی است که هیچ مزاحمتی در آن راه ندارد و هر کس بدون کوچک‌ترین ضرر و زیانی به دیگری، می‌تواند به بالاترین مرتبه صعود کند و افزونی علم فردی، تهجد و معنویت والای انسانی، زیبا سخنرانی نمودن فردی و... هیچ مانع و زیانی به دیگر هم صنفان نمی‌رساند.

#### نشانه‌های حسادت

حسود نمی‌تواند پیشرفت و ترقی دیگران را ببیند؛ مثلاً دیگری در امتحان نمره عالی آورده، ولی حسود خوابش نمی‌برد؛ همسایه، عروس و داماد خوبی نصیبش شده، بیچاره حسود زخم معده می‌گیرد. در روایات نیز به برخی علائم اشاره شده است؛ از جمله امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قَالَ

#### ۴. بدترین بیماری

در بین بیماریهای روحی، یکی از بدترین بیماریها که معالجه آن سالها طول می‌کشد، حسادت است. علی علیه السلام فرمود: «الْحَسَدُ شَرُّ الْأَمْرَاضِ»<sup>۱</sup> حسد بدترین بیماری است.»

#### خطر حسد برای دانشمندان

هر قشر و صنفی دچار حسادت است و هر انسانی که خود را نسازد، حسودی در او رشد و ریشه می‌کند؛ اما خطر این صفت رذیله را برای علما بیشتر گوشزد کرده‌اند.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت فرمود: «سَيِّئَةٌ يَدْخُلُونَ النَّارَ قَبْلَ الْحِسَابِ سَيِّئَةٌ؛ شش گروه، به خاطر شش صفت، قبل از حساب [الهی] وارد آتش می‌شوند.

«قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هُمْ قَالَ الْأَمْرَاءُ بِالْجَوْرِ وَالْعَرَبُ بِالْعَصْبِيَّةِ وَالذَّهَاقِينُ بِالتَّكْبِيرِ وَالتَّجَارُ بِالْخِيَانَةِ وَأَهْلُ الرُّسْتَاقِ بِالْجَهَالَةِ وَ الْعُلَمَاءُ بِالْحَسَدِ»<sup>۲</sup> عرض کردند ای رسول خدا! آنها چه کسانی هستند؟

فرمود: زمامداران به خاطر ستم و بیدادگری، عرب به خاطر تعصب [تاروا]، کدخدایان و خانها به خاطر

۱. غرر الحکم، ج ۱، ص ۹۱؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۴۲، ج ۱۶۰۲؛ پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۳۲.  
۲. المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۳۲۷.

يَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ»<sup>۳</sup> «هرگاه نیکی به تو [ای پیامبر!] رسد، آنها را [بر اثر حسادت] ناراحت می‌کند و اگر مصیبتی به تو رسد، می‌گویند: ما [قبلاً] پیش بینی چنین مطلبی را می‌کردیم و [تصمیم لازم را گرفتیم و باز می‌گردند، در حالی که خوشحال‌اند.» در این آیه، ناراحتی کفار حسود از پیروزی پیامبر ﷺ و خوشحالی آنها از شکست حضرت، در کنار هم ذکر شده است.

و در روایتی از علی رضی الله عنه می‌خوانیم: «الْحَاسِدُ يَفْرَحُ بِالشَّرِّ وَ يَفْتَمُّ بِالسُّرُورِ»<sup>۴</sup> حسود از شرور و بدیها خوشحال می‌شود و از خوشحالیها غمگین و ناراحت می‌گردد.»

#### زیانهای حسادت

ضررها و زیانهای حسادت در دو بخش قابل بررسی است:

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث، ج ۷۰، ص ۲۵۱، ح ۱۱؛ مستخب میزان الحکمة، ص ۱۴۲، ح ۱۶۱۴.
۲. سفینة البحار، به نقل از: پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۳۹.
۳. توبه / ۵۰.
۴. غرر الحکم، ح ۱۴۷۴، به نقل از: پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۴۰.

لَقَمَانٌ لِابْنِهِ لِلْحَاسِدِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَفْتَابُ إِذَا غَابَ وَ يَتَمَلَّقُ إِذَا شَهِدَ وَ يَشْمَتُ بِالمُصِيبَةِ»<sup>۱</sup> لقمان به پسرش گفت: برای حسود سه علامت است: پشت سر [محسود] غیبت می‌کند و هر گاه در حضور [او] باشد، تملق و چاپلوسی می‌کند و اگر [محسود] دچار مصیبت شود او را شماتت [و خود خوشحالی] می‌کند.»

در روایت فوق به سه نشانه اشاره شده است: ۱. غیبت و عیب‌جویی در غیاب دیگران؛ ۲. تملق و چاپلوسی در حضور افراد؛ ۳. شماتت و خوشحالی در مصائب دیگران. این سه نشانه بیانگر این است که حسود اگر اسباب خوشحالی دیگران فراهم شود، غمگین خواهد شد. علی رضی الله عنه فرمود: «يَكْفِيكَ مِنَ الْحَاسِدِ أَنَّهُ يَفْتَمُّ فِي وَقْتِ سُرُورِكَ»<sup>۲</sup> از [برای شناخت] حسود همین تو را بس که در زمان شادمانی تو غمگین می‌شود.»

در برخی آیات و روایات به خوشحالی و ناراحتی حسود با هم اشاره شده است؛ از جمله در قرآن می‌خوانیم: «إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلِ وَ



## الف. زیانهای دنیوی

است.»

همین ناراحتی است که آرامش روحی او را سلب می‌کند و در روایات متعددی به آن اشاره شده است؛ از جمله:

علی علیه السلام می‌فرماید: «أَسْوَأُ النَّاسِ عَيْنًا أَلْحَسُوْدُ»<sup>۱</sup> بدترین مردم از نظر زندگی، حسود است.»

در جای دیگر می‌فرماید: «لَا رَاحَةَ لِحَسُوْدٍ»<sup>۲</sup> حسود آسایش ندارد.»

و در سخن دیگر این حقیقت را چنین بیان می‌نماید: «أَلْحَسَدُ حَبْسُ الرُّوحِ»<sup>۳</sup> حسادت باعث زندانی شدن [و ناآرامی] روح می‌شود.»

## ۲. بیماری جسمانی

نمی‌خواهیم بگوییم هرکسی بیمار است، حسود است؛ چرا که بیماری عوامل مختلفی دارد؛ ولی این را می‌توان گفت که انسان حسود از نظر

زیانهای روحی و جسمی حسادت در دنیا بیش از آن است که در بخشی از یک مقاله بیان شود. آنچه می‌توان گفت، اهمّ زیانهاست که عبارت‌اند از:

## ۱. ناآرامی روانی

حسود دائماً ناراحت است و همین امر سبب ناآرامی و سلب آسایش روحی او می‌گردد. به هر اندازه دیگران موفقیت به دست آورند و از نعمتهای الهی برخوردار شوند، به همان اندازه حسود آسایش و آرامش روحی را از دست می‌دهد. هر چند از امکانات رفاهی خوبی هم برخوردار باشد و تا این صفت رذیله را درمان نکند، آسایش پیدا نمی‌کند.

از حضرت ذکریا علیه السلام نقل شده که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «الْحَاسِدُ عَدُوٌّ لِنِعْمَتِي مُسَخِّطٌ لِقَضَائِي غَيْرُ رَاضٍ لِقِسْمَتِي الَّتِي قَسَمْتُ بَيْنَ عِبَادِي»<sup>۱</sup> حسود دشمن نعمت من است [که به بندگانم می‌دهم] و بر تقدیر و فرمان من غضبناک است و از روزی که بین بندگانم تقسیم نموده‌ام، ناراضی

۱. المحجة البيضاء، ملامحسن فیض کاشانی، ج ۵، ص ۳۲۶.

۲. شرح فارسی غرر الحکم، ح ۲۹۳۱؛ پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۴۰.

۳. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۵۲، ح ۱۲.

۴. غرر الحکم، ح ۳۷۲؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۴۲.

ملازم با اندوه و غم است. علی علیه السلام فرمود: «الْحَسُودُ كَثِيرُ الْخَسِرَاتِ مُتَضَاعِفُ السَّيِّئَاتِ»<sup>۱</sup> حسود حسرتها و اندوههای فراوان دارد و گناهانش [نیز] دو چندان می شود.»

در جای دیگر فرمود: «مَا رَأَيْتُ ظَالِمًا أَشْبَهَ بِمَظْلُومٍ مِنَ الْخَاسِدِ نَفْسٍ دَائِمٌ وَ قَلْبٌ هَائِمٌ وَ حُزْنٌ لَازِمٌ»<sup>۲</sup> ظالمی را از حسود شبیه تر به مظلوم ندیدم [چرا که خود از جهاتی مظلوم است]؛ زیرا نفس [اماره] همیشه با اوست [و او را وادار به گناه می کند] و قلبی خراب و غصه همیشه دارد.»

۴. از دست دادن دوستان

حسود نعمتهایی را که خداوند به دیگران داده، نمی تواند ببیند؛ از این رو به هر کسی که از نعمتی برخوردار است، حسودی می کند و همین امر باعث می شود که مردم از او دوری کنند و پیوند دوستی و رفاقت بین او و

جسمانی نیز بیمار است؛ زیرا حسود گاهی آن چنان از ترقی و پیشرفت دیگران ناراحت می شود که خواب و آرامش و استراحت را به کلی از دست می دهد و آن زمان است که جسم او بیمار و رنجور و نحیف می شود.

علی علیه السلام فرمود: «الْحَسَدُ شَرُّ الْأَمْرَاضِ»<sup>۱</sup> حسودی بدترین بیماری است.»

و همچنین فرمود: «الْحَسَدُ لَا يَجْلِبُ إِلَّا مَضْرَةً وَ غَيْظًا يُوهِنُ قَلْبَكَ وَ يُمَرِّضُ جِسْمَكَ»<sup>۲</sup> حسد، جز زیان و خشم در وجود انسان، چیزی ایجاد نمی کند که [همین امر] سبب ناتوانی قلبت و بیماری جسمت می گردد.»

این صفت رذیله آن قدر خطرناک است که انسان بر جسم خود نیز رحم نمی کند. از علی علیه السلام رسیده است که فرمود: «الْعَجَبُ لِغَفْلَةِ الْحَسَادِ عَنْ سَلَامَةِ الْأَجْسَادِ»<sup>۳</sup> تعجب می کنم چگونه حسودان از سلامتی جسم [خود] غافل اند [و برای آن ارزش قائل نیستند].»

۳. حسرت دائمی

حسود همیشه گرفتار حسرت و

۱. منتخب میزان الحکمة، ص ۱۴۲، ح ۱۶۰۲.

۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۵۶، ح ۲۹؛ پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۴۱.

۳. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۵۶، ح ۲۸.

۴. منتخب میزان الحکمة، ص ۱۴۲.

۵. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۵۶، ح ۲۹.

برخی گناهان حالت تولیدی  
و زایش گناه دارد که یکی از  
آنها حسادت است و توسط  
آن، تهمت، دروغ‌گویی،  
نفاق، غیبت، اهانت، کتک  
زدن، قتل و نابودی دیگران  
و... به وجود می‌آید

رفت. یکی از علمای اهل سنت که به  
خواجه نصیر الدین طوسی حسادت  
می‌ورزید، به هلاکوخان پیشنهاد کرد  
که برای پاسخ دادن به سؤالات نکیر و  
منکر در شب اول قبر، خوب است  
خواجه نصیر را که در فن مجادله مهارت  
دارد، همراه مادرت دفن نمایی تا مادر  
بی سوادت در پاسخ سؤالات در نماند.  
هلاکوخان پیشنهاد را با خواجه

دیگران قطع گردد.

علی علیه السلام در این زمینه فرمود:  
«الْحَسُودُ لَأُخَلَّةٌ لَهُ؛ اِحسود دوست و  
رفیقی ندارد.»

۵. ضرر زدن به خود

حسود بیش از آنکه به دیگران  
ضرر وارد کند، با رفتار ناشایست  
خویش ضربه به موقعیت اجتماعی،  
شخصیتی و حیثیتی خود می‌زند. امام  
صادق علیه السلام فرمود: «الْحَابِئُ مُضِرٌّ بِنَفْسِهِ  
قَبْلَ أَنْ يُضِرَّ بِالْمَحْسُودِ كَمَا يَلِيسُ أَوْرَثَ بِحَسَدِهِ  
بِنَفْسِهِ اللَّغْنَةَ وَ لِأَدَمَ علیه السلام الْإِجْتِيَاءَ وَ الْهُدَى؛<sup>۲</sup>  
حسود پیش از آنکه به «محسود» زیان  
برساند، به خویشتن ضرر می‌زند،  
مانند ابلیس که با حسدش لعنت برای  
خود آفرید و برای آدم برگزیدگی و  
هدایت [را به دنبال داشت].»

۶. فرسیدن به سیادت و بزرگی

حسود چون تلاش دارد با  
تخریب دیگران به مقام بالاتری راه  
یابد، هرگز به چنین کاری موفق  
نمی‌شود. علی علیه السلام فرمود: «الْحَسُودُ لَأ  
يَسُودُ؛<sup>۳</sup> حسود [هرگز] به سیادت و  
آقایی نمی‌رسد.»

می‌گویند مادر هلاکوخان از دنیا

۱. شرح فارسی غرر الحکم، ج ۳۷۱، به نقل از:

پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۴۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۵۵، ج ۲۳؛ المحجة

البيضاء، ج ۵، ص ۳۲۸.

۳. منتخب میزان الحکمة، ص ۱۴۲، ج ۱۶۱۰.

گناهان او] آمرزیده می شود، [جز حسد] و همانا حسد ایمان را می خورد، همان گونه که آتش هیزم را می خورد.»  
این روایات با تعبیرات دیگری نیز آمده است.<sup>۴</sup>

### ۲. شقاوت ابدی

حسادت، سعادت دنیا و آخرت را از انسان می گیرد و تا ابد انسان را بیچاره می کند. علی علیه السلام فرمود: «قَمَرَةٌ الْحَسَدِ شَقَاءُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛<sup>۵</sup> نتیجه حسادت شقاوت دنیا و آخرت است.»

### ۳. ازدیاد گناهان

«الْحَسَدُ... مُتَضَاعِفٌ السَّيِّئَاتِ؛<sup>۶</sup> حسود... گناهانش [پیوسته] افزوده می شود.» و زیادی گناه نیز از دیاد عذاب را در پی دارد.

### ۴. نابودی اعمال

زیان دیگری که برای حسد در

مطرح کرد. خواجه گفت: گرفتاری تو بیش از مادر است؛ بگذار وقتی شما وفات کردید، همراه شما در قبر باشم و سؤالات ملکین را جواب دهم؛ ولی برای مادرت، این عالم سنی مناسب تر است. هلاکوخان سخن خواجه را پذیرفت و فوراً دستور داد که آن عالم سنی را همراه مادرش دفن کنند.<sup>۱</sup>

### ب. زیانهای آخرتی

حسادت ضررها و زیانهای آخرتی فراوانی نیز دارد که به اهم آنها اشاره می شود:

### ۱. نابود کننده دین و ایمان

بدترین ضرر معنوی و آخرتی حسادت این است که دین انسان را از بین می برد. در صحیححه معاویه بن وهب خواندیم که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «أَفَةُ الدِّينِ الْحَسَدُ؛<sup>۲</sup> آفت دین حسد است.» و در صحیححه محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَأْتِي بِأَيِّ بَادِرَةٍ فَيَكْفُرُ وَإِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ؛<sup>۳</sup> به راستی مرد [در روز قیامت] با هر لغزش عملی و زبانی که از او صادر شده، حاضر می شود؛ پس [همه

۱. کشکول امامت، سید عزیز الله حسینی

کاشانی، قم، انتشارات بصیرتی، ج ۲، ص ۶۲

۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۵۶، ح ۲۹.

۳. اصول کافی، ج ۳، باب الحسد، کتاب ایمان و

کفر، ح ۱.

۴. ر.ک: منتخب میزان الحکمة، ص ۱۴۲، ح

۱۶۱۲.

۵. همان، ح ۱۶۰۵.

۶. همان، ح ۱۶۱۰.

شما بازگو می‌کنم. هنگامی که گمان [بد] درباره کسی بردی، به آن، ترتیب اثر مده و هنگامی که فال بد زدی، اعتنا مکن و به کار خود ادامه بده و هنگامی که حسد ورزیدی، ستم نکن [و در عمل آن را دنبال نکن]]»

#### ۲. مشغول داشتن دل

مرحله دوم را که برخی اختیاری دانسته‌اند<sup>۱</sup> و باید از آن دوری جست، این است که انسان دل را به آن مشغول دارد و مرتب خطورات قلبی را در ذهن تکرار نماید. این را هم برخی گناه شمرده‌اند؛ چنان‌که مرحوم نراقی می‌گوید:

«هرگاه حسد، آدمی را به افعال و گفتار ناپسند و ادا کند... گناه کرده. همچنین اگر از اظهار و ابراز آن خویشتن‌داری نماید و از رفتار و گفتاری که دلالت بر حسد نماید، پرهیز کند، ولی در باطن زوال نعمت محسود را طالب و به درد و رنج او راغب باشد و از این نظر احساس ناراحتی نکند و بر خود

روایات ذکر شده حبط و نابودی اعمال حسنه‌ای است که از حسود سرزده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ؛<sup>۱</sup> حسد حسنات را می‌خورد، همان‌گونه که آتش هیزم را می‌خورد.»

#### مراتب حسد و حکم آن

علمای اخلاق برای حسد مراتبی ذکر کرده‌اند که برخی از آنها از این قرار است:

#### ۱. خطور قلبی

اولین مرحله این است که در لحظه‌ای که با خبر می‌شود فلان نعمت به کسی و یا فردی که رقیب او می‌باشد، رسیده، بی‌اختیار ناراحتی در قلب او خطور می‌کند و آرزوی زوال آن نعمت را می‌نماید. همه گرفتار این مرحله‌اند و گناهی بر آن بار نیست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قَلَاتٌ لَنَا يَنْجُو مِنْهُنَّ أَحَدُ الظَّنِّ وَالطَّيْرَةُ وَالْحَسَدُ وَ سَأَدْتُكُمْ بِالْمَخْرَجِ مِنْ ذَلِكَ إِذَا ظَنَنْتَ فَلَا تُحَقِّقْ وَإِذَا تَطَيَّرْتَ فَاْمِضْ وَإِذَا حَسَدْتَ فَلَا تَنْتَفِعْ؛<sup>۲</sup> سه چیز است که هیچ کس از آنها رهایی ندارد: گمان [بد]، فال بد و حسد. و من راه نجات از آنها را برای

۱. المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۳۲۵.

۲. همان.

۳. گناهان کبیره، ج ۲، ص ۲۸۰.

حسد سرچشمه‌هایی ذکر کرده‌اند و تعداد آن را به عدد هفت رسانده‌اند که خلاصه و عصاره آن از این قرار است:

۱. بخل و خباثت ذاتی نفس: که از برخورداری هرکسی ناراحت می‌شود، با اینکه طرف مقابل هیچ دشمنی و سابقه بدی با او ندارد.

۲. عداوت و کینه شخصی: که باعث آرزوی زوال نعمت از فرد مورد عداوت می‌شود.

۳. کبر و خود برتر بینی: که نمی‌تواند برتری دیگران را بر خود در نعمت و مقام و... مشاهده کند.

۴. حبّ ریاست: که آرزوی زوال نعمت را از دیگران می‌کند تا بر آنها حکومت نماید.

۵. حبّ شهرت: برخی افراد حب شهرت و اینکه آوازه جهان شوند را دارند و همین امر باعث می‌شود به کسانی که برتر از خود هستند و

خشمگین نباشد، باز گناه کرده است.<sup>۱</sup> و اگر در روایتی آمده: «وَقَلَّ مَنْ يَنْجُو مِنْهُمْ»<sup>۲</sup> کمند کسانی که از حسد و گمان بد و فال بد نجات می‌یابند. «شاید منظور همین قسم دوم باشد؛ چون از قسم اول هیچ فردی رهایی ندارد؛ یعنی غیر اختیاری است و قسم دوم است که اختیاری می‌باشد و از آن راه نجاتی وجود دارد.

### ۳. ابراز حسد

مرحله سوم این است که حالت قبلی از کنترل انسان خارج شود و با سخنان و اعمال خلاف همچون غیبت و... آن را بروز دهد و عملاً برای زوال نعمت و انتقام تلاش کند.

این همان حسدی است که بالاتفاق حرام و از گناهان کبیره می‌باشد و آثار زیان‌بار پیش گفته بر آن مترتب می‌شود و در روایتی از امام صادق علیه السلام به آن اشاره شده است: «... إِيَّا أَنْ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَسْتَعْمِلُ حَسَدَهُ»<sup>۳</sup> مؤمن حسدش را به کار نمی‌بندد [و عملاً به دنبال تخریب دیگران نمی‌رود].

### عوامل و انگیزه‌های حسد

بسیاری از علمای اخلاق برای

۱. معراج السعادة، ملا احمد نراقی، انتشارات هجرت، ص ۴۶۹.

۲. همان؛ گناهان کبیره، ج ۲، ص ۲۸۰؛ پیام قرآن، ج ۲، صص ۱۴۳-۱۴۴.

۳. الکافی، شیخ کلینی، ج ۸، ص ۱۰۸.

احساس می‌کنند مانع شهرت آنها می‌شوند، حسادت می‌ورزند.

ع ترس از نرسیدن به مقصود: گاه انسان تصور می‌کند که نعمتهای الهی محدود است و اگر دیگران به آنها دست یابند، امکان رسیدن او را به آن نعمتها کم می‌کنند.

۷. احساس حقارت: افرادی که در خود لیاقت رسیدن به مقامهای بالا را نمی‌بینند و از این نظر گرفتار عقده حقارت‌اند، آرزو می‌کنند که دیگران هم به جایی نرسند تا همانند یکدیگر شوند.<sup>۱</sup>

بنابراین، می‌توان گفت: در واقع حسودان گرفتار نوعی تزلزل در پایه‌های ایمان به توحید افعالی پروردگار و حکمت و قدرت او هستند؛ چه اینکه انسانی که به این اصول مؤمن باشد، می‌داند تقسیم نعمتها از سوی خداوند حسابی دارد و بر طبق حکمتی است و نیز می‌داند خداوند توانایی دارد که بیشتر و بهتر به او ببخشد، هرگاه او را شایسته نعمتی بداند.<sup>۲</sup>

به همین جهت، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

نقل شده است که خداوند به موسی بن عمران علیه السلام فرمود:

«لَا تَخْشَدَنَّ النَّاسَ عَلَى مَا آتَيْتَهُمْ مِنْ فَضْلِي وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ ذَٰلِكَ وَلَا تَتَّبِعْهُ نَفْسَكَ فَإِنَّ الْحَاسِدَ سَاحِطٌ لِيَعْمِيَ صَاوِرٌ لِقَسَمِي الَّذِي قَسَمْتُ بَيْنَ عِبَادِي وَمَنْ يَكُ كَذَٰلِكَ فَلَسْتُ مِنْهُ وَلَا يَسُ مِثِّي؛<sup>۳</sup> [ای موسی!] به

مردم نسبت به آنچه از فضل من به آنها داده‌ام حسودی مکن و چشم به آن ندوز و آن را در دل پی‌گیری نکن؛ زیرا حسود نسبت به نعمتهای من [که به بستندگان داده‌ام] خشمگین است و مخالف تقسیمی است که در میان بندگانم قسمت کرده‌ام و کسی که چنین باشد، نه من از او بیم و نه او از من است.» پس می‌توان گفت حسود انحراف از توحید دارد و پایه‌های اعتقادی او متزلزل و غیراستوار است؛ لذا امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغْفِطُ وَلَا

۱. ر.ک: چهل حدیث، صص ۱۰۶-۱۰۷؛ معراج السعاده، صص ۴۶۱-۴۶۳؛ پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۳۶.

۲. پیام قرآن، ص ۱۳۷.

۳. اصول کافی، ج ۳، کتاب ایمان و کفر، باب حسد، ج ۶؛ المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۳۲۷.

قابل درمان است؛ هرچند درمان این رذیله کاری است دشوار که گاه نیاز به تلاش فراوان دارد،<sup>۳</sup> ولی با این حال نباید از درمان آن ناامید بود. علمای اخلاق برای درمان حسد به دو امر توصیه نموده‌اند:

#### الف. شیوه علمی

در این راه، خوب است انسان نسبت به زیانهای بی‌شمار رذیله حسد تفکر و اندیشه داشته باشد و آیات و روایاتی را که در این زمینه وارد شده است، ملاحظه نماید و سرگذشت کسانی را که دچار حسودی بودند، مطالعه کند که این عمل یقیناً اثر مثبتی خواهد داشت و انسان به جای تلاش در تخریب دیگران و زوال نعمت از آنها، برای پیشرفت و ترقی خویش تلاش خواهد نمود.

علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

«اخْتَرِ شَوْأَ مِنْ سَوْزَةِ الْجَمْدِ وَالْحَقْدِ وَالْفَضْبِ

يَخْسُدُ وَالْمُنَافِقُ يَخْسُدُ وَلَا يَغِيظُ؛<sup>۱</sup> مؤمن غبطه می‌خورد، ولی حسد نمی‌ورزد؛ اما منافق حسد می‌ورزد و غبطه نمی‌خورد.»

نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به مردی از انصار شهادت داد که او اهل بهشت است. افرادی نسبت به این مسئله حساس شدند و رفتار آن مرد را زیر نظر گرفتند. بعد از بررسی دیدند اعمال فراوانی ندارد، جز آنکه هنگام خوابیدن در رختخواب ذکر خدا را می‌گوید و واجبات خویش همچون نماز صبح را انجام می‌دهد. به او گفتند: راز اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله تو را اهل بهشت دانست، چه بود؟ گفت: می‌بیند که من اعمال زیادی ندارم، منتهی این حالت در من وجود دارد که هیچ‌گاه نسبت به مسلمانی حتی در دلم خیانت روا نمی‌دارم؛ «وَلَا حَسَدًا عَلَيَّ خَيْرٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ؛<sup>۲</sup> و حسد نمی‌ورزم بر خیر [و نعمتی] که خدا به او عطا فرموده است.»

#### راه علاج حسد

صفت رذیله حسد، مانند دیگر اوصاف رذیله، جزء بیماریهای روح به حساب می‌آید و هر بیماری روحی

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۴۱۸، ح ۷.

۲. المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۳۲۵.

۳. از مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی نقل شده که گفت: بعد از سی سال مبارزه تازه موفق شدم که حسود نباشم.



وَالْحَسَدِ وَأَعِدُّوا لِكُلِّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ عُدَّةً تُجَاهِدُونَ بِهَا مِنَ الْفِكْرِ فِي الْعَاقِبَةِ وَمَنْعِ الرَّذِيلَةِ وَطَلَبِ الْفَضِيلَةِ؛<sup>۱</sup> خود را از شدت بخل و کینه و غضب و حسد در امان دارید و برای مبارزه با هریک از این امور وسیله‌ای آماده سازید، از جمله: در عواقب [سوء] این صفات رذیله تفکر کنید و از آنها دوری بجوید و به دنبال فضایل بروید!

#### ب. شیوه عملی

شیوه عملی نیز راههای مختلفی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

#### ۱. خدمت به جای تخریب

امام راحل رحمته الله در این زمینه می‌فرماید: «علاج عملی نیز از برای این رذیله فاضحه است و آن چنان است که با ترتیب اظهار محبت کنی با محسود و تربیت آثار آن را دهی و مقصودت از آن علاج مرض باطنی باشد. نفس، تو را دعوت می‌کند که او را اذیت کن! توهین کن! دشمن داشته باش و... تو به خلاف میل نفس به او ترحم کن و تجلیل و توقیر نما! زبان را به ذکر خیر او و ادار کن! نیکوییهای او را بر خود و بر دیگران عرضه دار!

صفات جمیله او را خاطر نشان خود کن! اگرچه اینها که می‌کنی، در اول امر با تکلف [و زحمت] است، از روی مجاز و غیر واقع است؛ لیکن چون مقصود، اصلاح نفس و برطرف کردن این نقص و رذیله است، بالاخره به حقیقت نزدیک می‌شود، کم‌کم تکلف کم می‌شود و نفس عادی می‌شود و واقعیت پیدا می‌کند. لااقل به نفس عرضه دار و بفهمان که این شخص بنده خداست و شاید خداوند تعالی به او نظر لطف داشته که او را متنعم کرده و اختصاص داده به خاصه نعم خود.<sup>۲</sup> «اگر حسود به جای اینکه برای درهم شکستن اعتبار و شخصیت فردی که مورد حسدش قرار گرفته، به تقویت موقعیت خود بپردازد و به جای غیبت و مذمتش او را به خاطر صفات نیکش مدح و ستایش کند و به جای تلاش در تخریب زندگی مادی او، خود را آماده اعانت و همکاری نماید و تا می‌تواند از او سخن نیک

۱. غرر الحکم، ص ۳۰۰، ح ۶۸۰۶، به نقل از: پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۴۷.

۲. چهل حدیث، صص ۱۱۳-۱۱۴.

## در بین بیماریهای روحی، یکی از بدترین بیماریها که معالجه آن سالها طول می کشد، حسادت است.

برابر قضای الهی و تصفیه روح مفید است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تَبَاشُرُ بِهِ قَلْبِي وَ يَقِينًا صَادِقًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَ رَضِيَنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۱</sup> خدایا! از تو ایمانی را می خواهم که در دلم جای گرفته باشد و یقین صادقی را می خواهم که بدانم به من [مصیبتی] نمی رسد، مگر آنچه تو نوشته ای و راضیم کن به آنچه از زندگی قسمت من کرده ای، ای مهربان ترین مهربانان!

۱. پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۴۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۳۲۳، ح ۱۲.

۳. غرر الحکم، ص ۳۰۰، ح ۶۸۰۸، به نقل از:

پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۴۸.

۴. مفتاح الجنان، ص ۳۲۶، پایان دعای ابرو حمزه شمالی.

بگوید، تا ممکن است نسبت به او محبت کند و تا آنجا که در اختیار اوست، خیر و سعادت او را بطلبد و به دیگران نیز همین امور را توصیه کند، به یقین تکرار این کارها تدریجاً آثار رذیله حسد را از روح او می شوید.<sup>۱</sup>

### ۲. دنبال نکردن حسد

راه دیگر برای درمان این است که هرگاه نسبت به کسی حسادت پیدا کرد، تا آنجا که می تواند مطلب را دنبال و پی گیری نکند تا کم کم از نظر فکری و ذهنی نیز رها شود.

در حدیثی امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «أَنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَسْتَعْمِلُ حَسَدَهُ»<sup>۲</sup> مؤمن حسد خود را به کار نمی برد.

### ۳. راضی به قضای الهی بودن

عامل دیگر برای درمان حسد این است که انسان خود را تسلیم قضا و قدر الهی بداند و به آنچه خداوند به او عنایت فرموده است، قانع باشد. علی علیه السلام فرمود: «مَنْ رَضِيَ بِحَالِهِ لَمْ يَمُوتْ بِالْحَسَدِ»<sup>۳</sup> کسی که به آنچه دارد، راضی باشد، حسد دامان او را نمی گیرد.

و تکرار این دعا مخصوصاً در قنوت برای تقویت تسلیم انسان در